

## کتاب نیایش

مسوول شورای علمی: محمود متوسل

دبیر شورای علمی: سید محمد عبداللهی

ناشر: ستاد اقامه نماز

طرح جلد و صفحه آرایی: جعفر اسکندری هریسی

مسوول اجرایی: منصور سرگزی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

کتاب نیایش، انعکاس دهنده ی پژوهش و مطالعات صاحب نظران و اندیشمندان درباره فریضه ی سترگ نماز و موضوعات مرتبط با آن می باشد.

مقالات و مطالبی در کتاب نیایش امکان چاپ می یابد که مستند علمی و پژوهشی داشته باشد.

آراء و نظرات نویسندگان و موضوعات مطرح شده، الزاماً نظر نیایش نیست.

نیایش در ویرایش و تلخیص مقالات، آزاد است.

مقالات ارسالی به هیچ وجه مسترد نمی شود.

شایسته است، مقالات ارسالی با خط خوانا و با فاصله ی لازم بین سطرها بر یک روی صفحه و یا بر روی لوح

فشرده در محیط WORD تایپ و ارسال شود.

نقل و استفاده مطالب با ذکر «ماخذ و نام نویسنده بلامانع است.

## بسم الله الرحمن الرحيم مسجد، مؤسسه ای دولتی یا سازمانی مردم نهاد؟ رحیم نوبهار

### مقدمه

رویکرد غالب بر اجلاس های سراسری نماز عمل گرایانه است. در این اجلاس ها معمولاً ترجیح داده می-شود تا به جای طرح مباحث صرفاً علمی به مشکلات عملی پرداخته شود. در چنین فضایی مناسب دانستم به طور روشن و شفاف به طرح دغدغه هایی چند در زمینه ی رابطه ی مسجد با حاکمیت بپردازم.

به عنوان یکی از دوستداران آبادانی مسجد، سال ها است شاهدم گروهی خواسته یا ناخواسته به گونه ای در راستای دولتی کردن مساجد تلاش می کنند؛ در واقع، آنان می کوشند رابطه ی "مسجد" و "حکومت" را شبه-اداری و دولتی کنند؛ کاری که نتیجه ی طبیعی آن، گسستن یا سست کردن پیوند مردم با مساجد است. شرح این اقدامات که برخی به صورت عملی بوده و برخی نیز در قالب مصوبات حکومتی و دولتی بوده است، خود به فرصتی جداگانه نیاز دارد. این اقدامات چنان نبوده است که بر متولیان و دست اندرکاران مساجد و حتی پژوهشگران و کارشناسان مسجد پنهان بماند. هر چند پاره ای از این اقدامات به صورت شفاف و عمومی صورت نمی گیرد. این در حالی است که در امور عمومی اصل بر شفافیت و اطلاع رسانی است. برخی از کسانی که در این زمینه اقدام می کنند، البته بر این باورند که این رویکرد، گره گشای مشکلات مسجد است؛ گروهی دیگر نیز سودهای دیگر در سر دارند.

در بررسی عوامل اقبال یا ادبار مردم و جوانان به مساجد مجموعه ای از زمینه ها و علل تأثیر دارند که همه را باید مورد توجه قرار داد. این علل را نباید به مسائلی چون بهداشت و زیبایی مسجد و حتی نظم برنامه های مسجد، محدود کرد؛ هر چند هر یک از این عوامل در جای خود تأثیرگذار است. مسائل مربوط به تبیین جایگاه مسجد در کل نظام اجتماعی و سیاسی جامعه هم، در جذب مردم و بویژه جوانان به مسجد یا رویگردانی آنان تأثیرگذار است.

این جانب سال ها پیش در مقاله ی "رابطه ی نظام اسلامی و مساجد" به تفصیل آوردم که مبانی فقهی ای وجود دارد که بر پایه ی آن ها دخالت دولت اسلامی در امور مساجد با رعایت چارچوب هایی، مشروع است؛ اما این مشروعیت و جواز به تنهایی این مداخله را الزامی نمی کند. ضمن این که مسجد به لحاظ فقهی ویژگی هایی دارد که نمی توان سرنوشت آن را یکسره به دولت واگذار کرد. جدا از مبانی فقهی، با لحاظ وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه ی ایران، واگذار کردن اداره ی امور مساجد به مردم، مرجح بلکه متعین است؛ در آن مقاله با ذکر فواید مردمی بودن مسجد تأکید کردم که مساجد را به همان شیوه ی مردمی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور رایج بود، می توان اداره کرد. این البته به معنای انکار پاره ای کاستی ها در شیوه ی اداره ی مردمی نیست. کاستی های موجود در مساجد را می توان با تکیه بر فرهنگ سازی و آموزش و ترویج



از میان برداشت. این نوشتار به یادآوری نکات و دغدغه‌هایی چند عمدتاً در همین زمینه می‌پردازد.

۱. ویژگی مؤسسه‌ی دولتی، ایجاد آن به حکم قانون و اداره‌ی آن توسط دولت است. سازمان غیردولتی یا مردم نهاد درست در نقطه‌ی مقابل مؤسسه‌ی دولتی قرار می‌گیرد. این سازمان‌ها توسط مردم به وجود می‌آیند و توسط خود آنان اداره می‌شوند؛ هر چند می‌توانند با شرایطی از حمایت‌های دولت هم بهره‌مند باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد به لحاظ ماهیت حقوقی دارای شخصیت حقوقی اند. آنها ضمن استقلال مالی از حاکمیت دارای اهداف غیرانتفاعی اند و عضویت و فعالیت افراد در آن‌ها داوطلبانه است. آن‌ها اصولاً دارای اهدافی غیرسیاسی اند و ضمن تسهیل ارائه‌ی پاره‌ای خدمات اجتماعی در قلمروهای گوناگون باعث مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و کنترل قدرت و حاکمیت می‌شوند و نقش‌های نظارتی مناسبی را ایفا می‌نمایند. آن‌ها همچنین می‌توانند در زمینه‌ی گسترش فضیلت‌های اخلاقی و ارزش‌های مدنی و شهروندی نقش‌های مؤثری ایفا کنند.

بر خلاف آنچه گاه پنداشته می‌شود سازمان‌ها و نهادهای مردم‌نهاد لزوماً معارض با دولت و حاکمیت نیستند؛ آن‌ها می‌توانند تعامل‌های مفید و سازنده‌ای با لایه‌های گوناگون قدرت داشته باشند و جامعه و حتی دولت را در دستیابی به اهداف کلان‌شان کمک کنند، بی‌آن‌که هزینه‌ای بر دوش جامعه بگذارند. به دلیل همین اثرگذاری بی‌بدیل است که حتی حکومت‌های بی‌بهره از نهادهای مدنی و مردمی، تلاش می‌کنند به اقدامات واقعا دولتی خود رنگ و بوی مدنی و مردمی بدهند. در جامعه‌ای که ظرفیت‌های کافی برای فعالیت مردمی مساجد وجود دارد، حرکت به سوی دولتی کردن آن‌ها ائتلاف منابع و سرمایه‌های عظیم اجتماعی است که برخی ابعاد آن با گذشت قرن‌ها برای یک ملت حاصل آمده است.

۲. در کنار معیار ناظر به چگونگی "تأسیس" و "اداره" که اداره‌ی دولتی را از نهاد مردمی و غیردولتی تفکیک می‌کند، در باره‌ی مسجد، معیارهایی عینی وجود دارد که با تکیه بر آن‌ها می‌توان مردمی یا دولتی بودن آن را سنجید. مشارکت جدی مردم در ساخت و ساز مسجد، برخورداری مردم از اختیارات لازم برای اداره‌ی مسجد، امکان‌پذیر شدن آزاد روحانی واجد شرایط و مورد علاقه‌ی مردم از سوی آنان، برگزاری آزادانه‌ی مراسم و برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و حتی ارزیابی و نقد اقدامات دولت و حکومت، امکان تجلی تنوع‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مساجد، بخشی از این سنج‌ها است.

معیارهای مردمی بودن مسجد هر چه باشد، مسجد ویژگی‌های یک مؤسسه‌ی دولتی و حکومتی را ندارد. ممکن است دولت در زمینه‌ی مسجدسازی دیدگاه‌هایی را به‌خیران و مسجدسازان ارائه نماید، اما نمی‌تواند ایجاد مسجد را در انحصار خود قرار دهد؛ به همین ترتیب دولت نمی‌تواند مردم را از دخالت در اداره‌ی امور مسجد بازدارد. بسیاری از دخالت‌های مردم در اداره‌ی امور مساجد، مصداق تعاون بر برّ و تقوا و عمارت و آبادانی خانه‌ی خدا است که هم حق و گاه حتی تکلیفی عمومی است. هم تکالیف ناظر به مسجد و هم حق بهره‌برداری‌های مشروع از این کانون‌های مقدس ابتدا ناظر به عموم مردم و آحاد مکلفان است. ایجاد محدودیت‌های نابجا در راستای اعمال وظایف و استیفای حقوقی که مردم در رابطه با مسجد دارند، تنها به رکود مساجد نمی‌انجامد، بلکه گاه مصداق جلوگیری از یاد خداوند در مسجد و یا حتی اقدام در راستای تخریب معنوی مسجد است که به تصریح قرآن کریم، ظلمی بزرگ و گناه است. پس در این باره جانب دقت و احتیاط را نباید فرو گذاشت.

۳. اقداماتی که برای سوق دادن مسجد به سوی نهاد قدرت و حکومت صورت می‌گیرد گاه مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی نادرست است. پیش‌فرض -بعضاً ناخودآگاه- شماری از متولیان امور حکومتی و دینی در باره‌ی رابطه‌ی میان حاکمیت و مردم آن است که دولت و حکومت باید جامعه را به طور یک‌سویه با دین، آشنا

سازد و بدان پایبند نماید. در این ایده که شاید برخی از معتقدان به آن حتی فرصت نیافته اند در مبانی و لوازم آن نیک درنگ کنند دولت و حکومت اسلامی پدیده ای نزدیک به مرزهای عصمت قلمداد می شود. در برابر، مردم تقریباً انسان های گناهکار یا دست-کم در معرض خطری فرض می شوند که پیوسته تنها باید مراقب آنان بود و از خطاکاری آنان جلوگیری کرد. در این دیدگاه، این اندیشه ی ناب و بنیادین اسلامی که مردم، هم حق و هم وظیفه دارند کاملاً مراقب حکومت باشند، تا از لغزش های آن پیشگیری کنند، یا در صورت لغزش با امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح امور اقدام کنند، به فراموشی سپرده می شود. این در حالی است که هیچ وجه شرعی، عقلی، یا تجربی وجود ندارد که باعث شود بپذیریم حتی در یک حکومت صالح آنان که در مناصب حکومتی قرار گرفته اند لزوماً از کسانی که در چنان مناصبی قرار نگرفته اند برتر و افضل اند و مردم تنها باید تابعان بی چون و چرای تصمیم های زمامداران باشند.

رابطه ی مردم با حکومت اسلامی، دوسویه است. نظام حاکم بر اداره ی مسجد هم باید نمایانگر همین تعامل و رابطه ی دوسویه باشد؛ رابطه ای که متضمن اثرپذیری هر یک از دولت و مسجد از دیگری است. دستیابی به چنین هدفی هرگز با واگذاری اداره ی امور مساجد به دولت و حکومت سازگار نیست. اسلام در حوزه ی امور سیاسی و اجتماعی به مردم بسیار بها داده است. آنان به مقتضای "قاعده ی سلطه"، اختیاردار امور خویش اند. خداوند متعال به مردم کرامت، حرمت و شخصیت داده و با آنان سخن گفته است. شمار خطاب هایی که به تناسب حکم و موضوع، ناظر به دولت و حاکمیت است، مانند خطاب های ناظر به اجرای مجازات ها اندک است. خداوند متعال حتی در آن خطاب ها هم به لحاظ تعابیر زبانی، عموم را مخاطب قرار داده است. گویی از نگاه قرآن کریم، "جامعه" در مقایسه با "دولت" از نوعی تقدم برخوردار است. در واقع، دولت از آن رو که به نوعی سمت نمایندگی از جامعه را دارد، مسئولیت اجرای امور عمومی را دارد و بنابراین گاه غیرمستقیم مخاطب خطاب های الهی قرار گرفته است.

برابر دیدگاهی که برای مردم، نقشی تأثیرگذار قائل است، نمی توان سرنوشت مسجد را که نمونه ی آشکار یک نهاد دینی، اجتماعی و فرهنگی است، یکسره به دولت واگذار نمود. در واقع، اعتقاد به نقش مردم در این قلمروها باید در نهاد مسجد، نمود و عینیت داشته باشد. تصور کنیم که از دانشمندی فرهیخته یا کارشناسی متعهد که همسایه ی مسجد است، تنها انتظار این باشد که به مسجد آمد و شد کند، نماز بگذارد، به سخنرانی-های یک سویه گوش فرا دهد، در مدیریت مسجد و برنامه های فرهنگی و اجتماعی مسجد نقشی نداشته باشد، در امور اجتماعی و سیاسی هم آنچه همیشه یا اغلب از او خواسته می شود، پیروی و تبعیت باشد. در این حالت پیدا است که جاذبه ها و کشش های کافی برای حضور پیوسته ی چنین کسی در مسجد وجود نخواهد داشت. حتی یک شهروند عادی هم انگیزه های کافی برای حضور مداوم و پرنشاط در چنین مسجدی نخواهد داشت؛ زیرا نقشی که از او انتظار می رود تنها اثرپذیری است، نه اثرگذاری و نقش آفرینی. ویژگی های شخصیتی بسیاری از مردم بویژه فرهیختگان و نخبگان هرگز به آنان اجازه نمی دهد که به ایفای چنین نقشی محدود شوند.

۴. داشتن تصویری نادرست از مقوله ی فرهنگ و کار فرهنگی هم از پیش زمینه های تلاش برای دولتی کردن مساجد است. در واقع هم ویژگی کار فرهنگی و هم رسالت-های مساجد در این باره به ما اجازه نمی دهند تا از دولتی کردن مساجد طرفداری کنیم. گفتمان فرهنگی در زمینه ی دینی نیز گفتمانی دو سویه است. حتی در باره ی فهم حقایق دینی نیز قرآن مجید آحاد مسلمانان را به قرائت قرآن مجید و تدبیر در آن فرمان می دهد. رجوع به کارشناس و خبره هم فرع عدم آگاهی است؛ فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون. پس مطلوب درجه اول، علم و آگاهی فردی است؛ حتی پرسیدن هم برای دانستن و آگاهی است. بی گمان خداوند متعال توفیق درک حقایق هستی و حتی معارف الهی را در انحصار گروهی از بندگان خویش- هر قدر هم پارسا و



فرهینخته باشند- قرار نداده است. این پیش فرض که مردم صرفاً تابعان و پذیرندگان مفاهیم دینی، اجتماعی و فرهنگی ارائه شده از سوی متولیان رسمی یا نیمه رسمی هستند و هیچ نقشی در فهم و درک این مقولات ندارند، درست نیست.

مسجد به عنوان نهادی برخوردار از وجوه فرهنگی باید به جای آن که تجلی رابطه ای یک سویه باشد، نماد یک گفتمان مشارکتی و دوسویه میان گروه های اجتماعی از جمله متولیان امور دینی و فرهنگی با مردم باشد. مسجد از چنان ظرفیت هایی برخوردار است که بتواند در این زمینه آغازگر حرکتی باشند که روح حاکم بر آن، گفتمان و تبادل نظر و بهره برداری از صاحب نظران حوزه های گوناگون و حتی نمازگزاران عادی برای ارائه ی بهتر مفاهیم دینی و اجتماعی و نحوه ی اجرای آن ها در بسترهای زمانی و مکانی خاص باشد. از یاد نباید برد که ترویج اسلام، خیر عمومی، درک و اجرای ارزش های اخلاقی و فضیلت های مدنی، وظیفه ی همه ی انسان های واجد شرایط است. بویژه در باره ی پیگیری ارزش های اسلامی در بسترهای گوناگون- که خود امری اجتماعی است- نمی توان به درک عمومی و وجدان جامعه ی مسلمانان بی توجه بود. وظایف و مسئولیت های دولت در این باب نباید چنان تفسیر و تعبیر شود که مردم را تنها در حد تابعان و پیروان غیرفعال تنزل دهد.

کمترین لازمه ی توجه به این مبانی آن است که صاحب منصبان امور فرهنگی و دینی از برنامه ریزی های یک سویه پرهیز کنند. جمع های محدود و گردآمده زیر عناوین مختلف بویژه در حوزه های دینی و فرهنگی نباید به خود اجازه دهند نظرها و تصمیم های خود را به آسانی بر کل جامعه تحمیل کنند. در حوزه ی فرهنگ، تحکم و سیاست های یکسان سازی که تنوع سلیقه ها را که واقعیتی انسان شناسانه است نادیده می گیرد، توفیقی به دست نخواهد آورد. متأسفانه برخی بدون توجه به واقعیت های فرهنگی و پیچیدگی ها و ظرافت های این حوزه پیوسته از مهندسی فرهنگی و دخالت های میکائیکی و دولتی در حوزه ی فرهنگ سخن می گویند. تسلط این دیدگاه که برخی نشانه ها و عواقب نامطلوب آن اکنون هویدا شده، به نهادهای مربوط به روحانیت از جمله مساجد هم آسیب می رساند.

۵. تعیین تکلیف چند و چون مدیریت مسجد و رابطه ی آن با قدرت و حکومت تا اندازه ی زیادی به تعریف ما از جایگاه نهاد روحانیت هم مربوط می شود. به لحاظ تاریخی، جایگاه روحانیت شیعی، "حوزه ی عمومی" جدا از دولت بوده است. روحانیت از همین پایگاه با حفظ پیوندهای استوار خود با مردم، تعاملاتی هم با نهاد دولت داشته است. امروزه دلیلی وجود ندارد تا روحانیت این جایگاه را به سوی حکومت ترک گوید. پیوندزدن دین و اخلاق به قدرت لوازم نامطلوبی دارد که نمی توان از آن ها غفلت کرد. اندیشمندان با رویکردهای مختلف نسبت به این امر هشدار داده اند. حتی موافقان نظریه ی دخالت دولت در ترویج اخلاق، بر لزوم هشجاری در برابر پاره ای لوازم خطرناک آن تأکید کرده اند.

بنابراین جدا از ویژگی های ذاتی مسجد، قرارگرفتن روحانیت در حوزه ی عمومی هم ایجاب می کند تا با مسجد همچون سازمانی مردم نهاد رفتار شود. آرمان انقلاب اسلامی هم برپایی یک دولت دینی بود؛ آن هم دولتی دینی که سرانجام ما را به جامعه ای اسلامی و انسان هایی وارسته رهنمون شود. اما دولتی کردن دین و نهادهای دینی مانند روحانیت و مسجد نه مطلوب بوده است و نه در شمار آرمان های مردم ما قرار داشته است.

۶ ارتباط بی اندازه ی مسجد با بخش هایی از قدرت به لحاظ ویژگی خاص آن ها حساسیت برانگیزتر است. نگارنده برای نخستین بار در جلد دوم کتاب "سیمای مسجد" فصلی را به کارکردهای نظامی مسجد در زمان پیامبر(ص) اختصاص دادم. برابر شواهد تاریخی، مسجد در زمان پیامبر(ص) نقش هایی را در این زمینه ایفا می

نموده است. همان زمان در پیگفتار کتاب و سطرهای پایانی آن، پژوهشگران را به تأمل و ژرف نگری بیشتر در این باره دعوت کردم؛ زیرا این احتمال وجود دارد که ایفای پاره ای نقش های شبه نظامی توسط مسجد چه بسا مقتضای سادگی و عدم پیچیدگی جوامع آن روز و نبود پدیده ی تقسیم کار در آن ها بوده است.

جدا از این بحث علمی، در جوامع امروزی انجام امور نظامی و شبه نظامی، نهادها و جایگاه های خاص خود را دارد. آنچه مایه ی نگرانی شماری از علما و اصحاب فرهنگ شده این است که صبغه ها و جلوه های نظامی مسجد و مداخله ی نهادهای مرتبط با امور نظامی در مساجد زیاد شود؛ تا جایی که خدای ناکرده تلقی مردم از مسجد به چیزی شبیه به یک مقر و پایگاه نظامی فرو کاسته شود. اهمیت این امر ایجاب می کند تا همگان بویژه عالمان دین نسبت به این مسأله، حساس باشند. از یاد نبریم که به لحاظ تاریخی، وجه غالب نهاد روحانیت وجه فرهنگی بوده است، مساجد نیز از دیرباز به همین وصف و وجه شناخته شده اند. هرگونه رویکردی که این صبغه را در مسجد و روحانیت کم رنگ کند، زیانبار است.

۷. به همین ترتیب باید از کارکردهای سیاسی مسجد هم سخن گفت. در جامعه ی اسلامی سیاست ورزیدن در حوزه ی عمومی در راستای ایفای مسئولیت های اجتماعی البته مطلوب است. مسجد نیز همچون یکی از نهادهای حوزه ی عمومی می تواند در این باره نقش های معقول و متعارفی ایفا نماید. سابقه ی تاریخی مسجد نیز همین را می گوید. با این حال ایفای نقش های سیاسی، گاه مسجد را به نهاد قدرت نزدیک می کند. این ویژگی ایجاب می کند تا نسبت به فروکاسته شدن شأن مسجد به موقعیت یک حزب سیاسی بویژه احزاب و گروه هایی که هیچ کس و گروه دیگر را بر نمی تابند، حساس باشیم.

نام مسجد در ادبیات دینی "جامع" بوده است. این نام، اسمی با مسما بوده است و هرگز به گزاف آن را بر مسجد ننهاده اند. پس مسجد، در جایگاه اصیل خویش، جامع و گردآورنده ی اقشار گوناگون در کنار هم است. مسجد، دریای زلال ترک تعین ها، رنگ ها و هویت های جزئی و تجلی وحدت در عین کثرت است. نشر افکار و اندیشه های خشن، طردگرایانه، ستیزه جویانه و عاری از روح رأفت و رحمت اسلامی نمی تواند در پایگاهی صورت گیرد که یکی از برکات رفت و آمد به آن جلب رحمت الهی است. افراد و جریان هایی که به فعالیت های سیاسی حزبی مایل اند حق دارند با تشکیل احزاب یا انجمن های همانند، هدف های خود را پیگیری کنند. اما گزاردن بار سنگین حزب سیاسی بر دوش نهادی که باید نقش های عبادی، فرهنگی و تربیتی مهمی را ایفا کند، شانه هایش را می شکند. در این صورت، نه بار به مقصد می رسد، نه مسجد سالم می ماند. همین گفته بعینه در مورد نماز جمعه که فلسفه ی وجودی آن، خیررسانی به عموم جامعه ی اسلامی است، نیز صادق می آید. شأن این نهادهای مقدس را نباید به شأن حزب سیاسی فروکاست. آن ها باید متضمن تنوع های طبیعی موجود در جامعه باشند.

۸. با آن که موضع مداخله جویانه ی حکومت در مساجد و دیگر معابد مذهبی اغلب منفی ارزیابی می شود، پاره ای از مداخلات حمایتی دولت می تواند با شرایطی مثبت ارزیاب شود. بویژه دولت ها در مواردی موظف اند از اقلیت های مذهبی در زمینه ی "حق بر عبادت"، "حق بر معنویت" و "حق بر برگزاری مراسم مذهبی" حمایت کنند. امروزه این موارد در شمار "حق های به رسمیت شناخته ی بشری است که باید به طور مناسب مورد حمایت دولت ها قرار گیرد. دولت ها موظف اند ضمن احترام به این حق شهروندی به لوازم و مقتضیات ایجابی و سلبی آن پایبند باشند.

با آن که اقلیت ها در استیفای این حق در سراسر جهان با مشکلاتی مواجهند، به برکت شناسایی و احترام به همین حق است که امروزه مساجد و مراکز اسلامی در بسیاری از کشورهای جهان که مسلمانان در اقلیت اند، برقرار است. ما می توانیم در راستای پایبندی به این حق برای اقلیت های مذهبی جامعه ی ایرانی، شرایط



مناسب تری فراهم کنیم. در این صورت، هم زمینه‌ی طاعت و پرستش بندگان خداوند را فراهم نموده ایم و هم روح تحمل و مدارای اسلامی و گشاده دلی مسلمانان و مکتب اهل البیت(ع) را به نمایش گذاشته ایم و هم در راستای رسیدن به وحدتی عمیق و امنیتی پایدار برای مردم و کشورمان گام برداشته ایم.

۹. همان خداوندی که به برپایی و سرافرازی مساجد فرمان داده به انسان‌ها هم کرامت بخشیده و بر پاسداری از این کرامت تأکید نموده است. میان حرمت مساجد و کرامت مؤمنان بلکه کرامت آدمیان ارتباط وجود دارد. نمی‌توان تنها با تکیه بر لزوم پاسداشت حرمت و قداست مسجد و بی‌اعتنا به کرامت مؤمنان و انسان‌ها در پی شأن و جایگاهی مناسب برای دین و نهادهای دینی چون مسجد بود. هر اندیشه‌ای که به بهانه‌ی پاسداشت دین، حرمت و کرامت آدمیان را نادیده انگارد، برای مردم زمانه‌ی ما جذابیتی ندارد. این انتظار البته از حاکمیتی که خود را در برابر ارزش‌های دینی و اخلاقی و فضیلت‌های مدنی مسئول بداند به مراتب فزون‌تر است. مردمان این دوران نسبت به این که دین و متولیان دینی به آنان همچون شخص انسانی تا چه اندازه ارج می‌نهند، حساس‌اند؛ البته این به معنای آن نیست که مشکل اندیشه‌های کرامت‌ستیز یا بی‌توجه به کرامت انسانی، تنها ناکارآمدی آنها است، از این بدتر آنها نه با اصول و مبانی کتاب و سنت سازگاراند و نه به لحاظ اخلاقی موجه‌اند.

مساجد ما همچون پایگاه‌های دین‌ورزی می‌توانند و باید کانون نشر و بسط اندیشه‌ی کرامت و حرمت آدمیان باشند؛ نه صرفاً به این منظور که شمار بیشتری را به خود جلب کنند، بلکه از این بالاتر برای این که همسو با مبانی قرآن و سنت و کانون نشر اندیشه‌ی اصیل اسلامی باشند.

۱۰. در پایان یادآور می‌شوم که اصلاح و تعدیل رابطه‌ی مساجد با نهاد قدرت و حکومت بسیار ضروری و سودمند است، اما نقش اصلاح و ترمیم برنامه‌های فرهنگی را نباید از نظر دور داشت. برای نمونه شایسته نیست تکیه بر احساس و احساس‌گرایی و مراسم‌گرایی افراطی، وجه غالب تبلیغات دینی ما در مساجد و جز آن شود. چنان که جامعه‌شناسان دین تأکید کرده‌اند، دین در کنار ایفای دیگر نقش‌ها باید به نیازهای عقلانی و تمایلات استدلال‌جویانه‌ی پیروان خود هم پاسخ گوید. بی‌توجهی به این مسأله می‌تواند بنیادهای اعتقادی سوژه‌ها و مخاطبان برنامه‌های مذهبی را رفته رفته ضعیف کند؛ زیرا ممکن است برخی گمان برند که دین از پاسخ به کشش‌های عقلانی آنان ناتوان است. با توجه به جامعیت قرآن مجید و تنوع مفاهیم قرآنی، تأکید بر طرح مباحث قرآن کریم در مساجد بسیار سودمند است. این اقدام می‌تواند به نوبه‌ی خود، پیوند قرآن و مسجد را که در روایات با تعابیر گوناگون برآن تأکید شده است، احیا نماید.

به همین ترتیب باید از تأکید بی‌اندازه بر برگزاری مراسم سوگواری به عناوین گوناگون یا غم‌انگیز نمودن مراسم دینی در مساجد سخن گفت. این رویکرد، روح نشاط و شادابی را که برای این کانون‌های مقدس ضروری است، کمرنگ می‌کند. ترسیم مفهومی از خداوند که تنها باید از او ترسید و به هر مناسبت برای او اولیای گرامش‌گریست، ارائه‌ی تصویری ناقص از خداوند جل و علا و دین‌مبین اسلام است. در برخی از مراسم مذهبی ما حتی دعاهایی که مضامین آن سراسر عاشقانه و شور و شفع‌انگیز است را بی‌توجه به معنا و محتوای آن، نالان و غمگنانه می‌خوانند. نشاط و شادمانی در حد معقول آن، بخشی از نیاز فطری بشر است. اسلام همچون دینی کامل حتماً به برآورده ساختن چنین نیازی توجه دارد. غفلت از این نیاز و مقتضیات آن در برنامه‌های مذهبی می‌تواند برخی را به این باور برساند که دین از برآورده ساختن نیازهای گوناگون فطری آنان ناتوان است. به همین ترتیب، کوتاهی و کاستی در ارائه‌ی دینی معنوی و اخلاقی، مساجد را بی‌رونق می‌سازد.

به رغم دشواری‌ها و پیچیدگی‌های موجود، امید است که به برکت توانمندی‌های مردم بزرگ این سرزمین و

ظرفیت های موجود در روحانیت - که به لحاظ تاریخی تأثیرگذارترین عنصر در نهاد مسجد بوده است - شاهد حفظ استقلال مساجد و کاستن دغدغه های پیش گفته باشیم.

والحمد لله أولاً و آخراً

رحیم نوبهار

دهم مهرماه ۱۳۸۸ ش.